

تحلیل موانع و چالش های عدم دستیابی به اهداف برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی

غلامرضا یآوری

دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی و توسعه، دانشگاه پیام نور، استان البرز، ایران

وحید عزیزی*

کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی، همدان، ایران

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه های اول تا پنجم توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی انجام شده است. جامعه آماری این مطالعه شامل متخصصانی است که دارای اطلاعات کافی و درک عمیقی از موضوع مورد مطالعه دارند که از طریق نمونه گیری غیراحتمالی و روش گلوله برفی، تعداد ۱۰۰ نفر شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شد. تعیین روایی و پایایی از طریق پانل متخصصان اهل فن و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۰ تا ۰/۸۵) مورد تأیید قرار گرفت. برای تجزیه تحلیل نتایج از روش تحلیل عاملی استفاده شد. براساس نتایج مهمترین دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه های توسعه در بخش کشاورزی به ترتیب شامل موانع اقتصادی - سیاسی، موانع اجرایی - ساختاری، موانع علمی و موانع اجتماعی - فرهنگی می باشند.

واژه های کلیدی: برنامه توسعه، موانع و چالش ها، کشاورزی، تحلیل عاملی، ایران

مقدمه

بخش کشاورزی در کشور ایران به لحاظ دارا بودن قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قابل توجه از اهمیت خاصی برخوردار بوده و به لحاظ نقشی که در تأمین مواد غذایی مردم و تهیه مواد اولیه برخی صنایع دارد شایان توجه می‌باشد، همچنین بخش عمده درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی از این بخش تأمین می‌گردد و به دلیل اشتغال‌زایی بالا، عدم نیاز به فناوری پیشرفته در مراحل مختلف تولید و ارزش برتری کمتر نسبت به دیگر بخش‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی می‌باشد. از سویی در کشور ایران به دلیل تنوع پوشش گیاهی، استعداد بالقوه تولید انواع فرآورده‌های باغی و زراعی، گل و گیاهان دارویی، بخش کشاورزی می‌تواند منبع عظیمی از درآمدهای ارزی غیرنفتی را برای کشور فراهم نماید (کرباسی و اکبرزاده، ۱۳۸۷). بنابراین به دلیل نقش حیاتی این بخش در تحقق امنیت غذایی، توزیع مناسب جغرافیایی درآمد و توسعه پایدار یکی از بخش‌های مهم اقتصادی محسوب می‌شود (بنی‌اسدی و جلایی‌اسفندآبادی، ۱۳۹۵). امروزه بخش کشاورزی بیش از ۱۸ درصد اشتغال، ۹ درصد تولید ناخالص داخلی، ۲۱ درصد صادرات غیرنفتی و تأمین نزدیک به ۹۳ درصد نیازهای غذایی جامعه و تولید مواد اولیه بسیاری از صنایع دیگر را برعهده دارد (برخوردار و محمدی‌نژاد، ۱۳۹۷).

از این رو در راستای حفظ منابع خدادادی و استفاده عقلایی از آن و همچنین ایجاد تغییر مثبت در وضعیت این بخش، ضرورت توجه به توسعه بخش کشاورزی احساس می‌گردد. از طرفی امروزه توجه به بخش کشاورزی از خواسته و آرمان به ضرورت تبدیل گشته و استقلال سیاسی با امنیت غذایی و نیازهای اساسی مردم گره خورده است. بنابراین برای پرداختن به این ضرورت بایستی در زمینه بهبود شاخص‌های توسعه کشاورزی تلاش شود (بازیار و احمدوند، ۱۳۹۶). لذا به منظور تغییر ساختار بخش کشاورزی و رسیدن به اهداف توسعه بخش کشاورزی، نخستین گام برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای متناظر با امکانات علمی و عملی کشور است، به طوری که در جامعه جهانی نیز برنامه‌ریزی به عنوان یک چارچوب مشخص برای رسیدن به اهداف توسعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

پیشرفت امروز بشر آغاز تا مرحله کنونی از گام‌های برنامه‌ریزی شده گذشته و ادامه پیدا کرده است. به طور کلی انسان امروزی مدیون روند تدریجی و تکاملی در نظام برنامه‌ریزی گذشتگان می‌باشد و ترقی و تکامل آینده او بستگی به طرح برنامه مشخص و پویا دارد. بدین ترتیب برنامه‌ریزی همواره، همگام با زندگی بشری بوده و موجبات تکامل حیات انسان را فراهم ساخته است.

اساس برنامه‌ریزی توسعه بر تقویت، تحول و اصلاح ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی استوار شده است تا از این طریق بتوان تلاشی هدفمند به منظور افزایش درآمد و اشتغال، توزیع عادلانه درآمد، کاهش فقر و نیز انسجام فرهنگی، اجتماعی و... صورت گیرد. به طور کلی وجود نظام برنامه‌ریزی قوی و قابل اعتماد به منظور ایجاد برنامه توسعه در یک فاصله زمانی مشخص امری ضروری می‌باشد. چنین نظام برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که در دسترس و قابل اجرا باشد. علاوه بر این تدوین سند چشم‌انداز به عنوان یک تحول عظیم در نظام برنامه‌ریزی توسعه می‌باشد (شریف‌زادگان، ۱۳۸۲).

برنامه‌ریزی در ایران از حدود سال ۱۳۱۶ با پیشنهاد اداره کل تجارت در قالب شورای اقتصاد با هدف تهیه یک نقشه عمومی اقتصادی شروع شد (ایمان، ۱۳۷۷). پس از مطالعه و فعالیت‌های متعدد علمی سرانجام از سال ۱۳۲۷ اولین برنامه توسعه کشور با عنوان عمران و آبادانی به اجرا درآمد (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵). تلاش‌های برنامه‌ریزی قبل از انقلاب اسلامی منجر به اجرای دو برنامه ۷ ساله و سه برنامه ۵ ساله تا سال ۱۳۵۵ شد (ایمان، ۱۳۷۷). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل وقوع جنگ تحمیلی حدود یک دهه کشور از برنامه توسعه‌ای محروم بود و از انتهای دهه شصت اولین برنامه توسعه به اجرا درآمد. طی دوره (۱۳۶۸ - ۱۳۹۴) تاکنون پنج برنامه توسعه تدوین و به اجرا درآمده است (جغتایی و همکاران، ۱۳۹۵).

بعد از انقلاب، بخش کشاورزی به لحاظ جایگاه آن در کل بخش‌های اقتصادی از اهمیت قابل توجهی در برنامه‌های توسعه برخوردار بوده و در هر برنامه، به فراخور زمانی آن، سیاست‌ها و اهدافی دنبال شده است. در مجموع، آنچه که در بخش کشاورزی به عنوان سیاست‌های اصلی پیگیری می‌شود شامل: ۱- توسعه پایدار کشاورزی با حفاظت از منابع طبیعی، ۲- تأمین امنیت، ۳- اصلاح ساختار نظام بهره‌برداری، ۴- نوین‌سازی نظام تولید کشاورزی، ۵- ارتقاء ضریب بهره‌وری آب، ۶- ایجاد انگیزه برای جذب و توسعه سرمایه‌گذاری، ۷- حمایت موثر از ساماندهی فرآیند تولید، ۸- تخصیص یارانه هدفمند، ۹- ارتقاء سطح درآمد و زندگی روستاییان (کرباسی، ۱۳۹۱).

همان‌طور که بیان شد بخش کشاورزی در کشور بیش از نیم قرن است که به وسیله برنامه‌های توسعه مدیریت می‌شود (ابراهیم بای‌سلامی، ۱۳۸۸). اما آنگونه که مشخص است این بخش در به حرکت درآوردن چرخ رشد و توسعه اقتصادی کشور نمود بزرگی نداشته که ریشه این عدم مشارکت باید بررسی شود. واکاوی اسناد سیاستی برنامه‌های توسعه کشور در بخش کشاورزی، حاکی از آن است که این بخش از گذشته تا به حال،

تنظیم راهبردهای توسعه، نبود چارچوب‌های بلندمدت برای حل مسائل استراتژیک بخش کشاورزی، چالش‌های سیاسی، نبود تناسب در تقویم تصویب قانونی با تقویم نظام اجرایی، ضعف مدیریت کلان و مدیریت دستگاه اجرایی.

افراخته و همکاران (۱۳۹۲) برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب اسلامی را به لحاظ میزان توجه به شاخص‌های توسعه پایدار کشاورزی بررسی کرده‌اند. طبق نتایج در تمام برنامه‌های توسعه به توسعه پایدار کشاورزی توجه شده است، اما در برنامه پنجم بر مقوله توسعه پایدار کشاورزی تأکید بیشتری شده است. گرچه در روند برنامه‌ریزی به تدریج به مفهوم توسعه پایدار توجه بیشتری معطوف شده است، اما تمامی ابعاد توسعه پایدار کشاورزی به طور یکسان مورد توجه قرار نگرفته است.

رکن‌الدین‌افتخاری و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی تحلیل جایگاه توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی نشان دادند که با وجود افزایش سطح توجه به توسعه پایدار روستایی در برنامه‌ها، اما این توجه براساس ساختار مدل تعالی سازمانی، در تمام ابعاد پایین‌تر از میانگین است و نشان می‌دهد که در برنامه‌ها، عناصر توانمندساز در باور برنامه‌ریزان برای نهادینه کردن پایداری به درستی شناخته نشده است و مدیریت اجرایی از ظرفیت لازم برای اجرای پایداری برخوردار نیست.

تقی‌ملایی و مهدوی (۱۳۹۵) به بررسی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند. طبق نتایج علیرغم توجهی که در هر پنج برنامه توسعه به بخش کشاورزی شده اما این بخش نتوانسته به اهداف خود دست یابد. طبق نتایج فقط برنامه سوم در بخش کشاورزی موفق بوده است. در همه برنامه‌ها بر افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی تأکید شده، اما این افزایش مورد انتظار هرگز حادث نشده است، زیرا بخش توسعه‌ای نداشته است و امکان جذب سرمایه بسیار پایین بوده است.

ازکیا و دیباجی (۱۳۹۵) به بررسی برنامه‌های توسعه روستایی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد قبل از انقلاب، برنامه‌های عمران روستایی، خصلتی متمرکز و از بالا به پایین، فاقد مطالعات بومی، سطحی‌نگر به مسائل روستایی، دارای دید فنی و فاقد نگرش جامعه‌شناسانه بوده است. در برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب نیز انحراف از اجرای برنامه مصوب، محدود شدن به برخی اقدامات اجرایی و اجرای طرح‌های گذشته به روشنی دیده می‌شود. همچنین این برنامه‌ها براساس آسیب‌شناسی برنامه‌های پیشین نوشته نشده‌اند و از اعتبارات بودجه‌ای کافی برخوردار نیستند.

بازیار و احمدوند (۱۳۹۶) ده عامل اقتصادی، اجتماعی، تسهیلاتی، برنامه‌ریزی، آموزشی- ترویجی، سازمانی- مدیریتی،

با مسایل ناپایدار و چالش‌های مختلفی روبرو بوده است. به طوری که با چالش‌هایی نظیر عدم افزایش سطح زیرکشت و خرد شدن اراضی، افزایش فشار اکولوژیکی در فضاها تولید شامل تهدید، تخریب و آلودگی منابع پایه و بهره‌برداری بی‌رویه، بهره‌وری اندک منابع تولید (آب، زمین و نهادها)، بالا بودن ریسک فعالیت‌های تولیدی، روند نزولی سرمایه‌گذاری و اشتغال، نبود کفایت نظام بیمه، کمبود دانش و آگاهی تولیدکنندگان، وجود ضایعات بالای محصولات کشاورزی، کمبود زیرساخت‌ها و ناکارایی بازار و بازاریابی، روبرو بوده است (مریدسادات و همکاران، ۱۳۹۷). بنابراین با وجود تأکید مداوم به اهمیت بخش کشاورزی توسط برنامه‌ریزان، که در برنامه‌های مختلف توسعه نیز بروز یافته است، چالش‌های متعدد گویایی عدم دستیابی به اهداف ذکر شده در برنامه‌های توسعه می‌باشد. لذا، لازم است با مطالعه و آسیب‌شناسی برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی، ضمن تحلیل روند گذشته و بیان فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و ضعف فراروی برنامه‌های توسعه؛ دلایل عدم دسترسی به اهداف مورد بررسی قرار گیرد. اهمیت بررسی عملکرد برنامه‌های توسعه در بخش‌های مختلف اقتصادی باعث شده که تاکنون تحقیقات مختلفی پیرامون آن صورت پذیرد که با توجه به هدف و محدوده موضوعی تحقیق به برخی از آنان اشاره می‌گردد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای ریشه‌های عدم توفیق برنامه‌های اول و دوم توسعه را فقدان پایگاه نظری، بلند پروازانه بودن اهداف، ناسازگاری اهداف برنامه، مسائل حقوقی و قانون‌گذاری برنامه، طولانی بودن دوره برنامه، فقدان شاخص‌های تشخیص جایگاه، فقدان مکانیسم‌های نظارتی و مشخص نمودن مکانیسم‌های انگیزشی دانست.

نتایج تحقیق قدیری‌معصوم و نجفی‌کانی (۱۳۸۲) نشان داد که تجربیات حاصل از پنجاه سال برنامه‌ریزی در ایران حاکی از آن است که هر چند به اهداف خوب توجه شده، ولی در برخی موارد مثل توسعه کشاورزی و روستایی ناموفق بوده است که علت اصلی عدم موفقیت این برنامه‌ها را باید در تعیین نادرست سیاست‌ها و اجرای نادرست برنامه‌ها جستجو نمود.

غلامی‌نتاج‌امیری (۱۳۸۵) تنگناهای نظری برنامه‌های توسعه در ایران را فقدان انسجام نظری، انحراف از راهبردها و ناسازگاری نظریات انتخابی با فرهنگ بومی می‌داند.

در مطالعه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) عمده‌ترین علل اثر بخشی ضعیف ناشی از اجرای راهبردهای توسعه بخش کشاورزی در چهار برنامه پنج ساله توسعه کشور عبارتند از: بهره نگرفتن از اصول دانش مدیریت راهبردی در

دانش کافی، نبود نظام منسجم برای طراحی و اجرای برنامه‌ها، ضعف رهبری و مدیریتی، هزینه نادرست، مداخلات اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، فساد و ظرفیت ضعیف اقتصادی بود. مرور ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی توسعه به دنبال افزایش درآمد، ایجاد اشتغال، کاهش فقر و... می‌باشد، اما تحقیقات گذشته نشان می‌دهد که برنامه‌های توسعه انجام شده در ایران تا حدودی در اجرای اهداف خود در بخش‌های مختلف اقتصادی موفق عمل نکرده است. لذا می‌بایست با مطالعه و آسیب‌شناسی برنامه‌های گذشته موانع و چالش‌هایی را که باعث ایجاد مشکلاتی در اجرای برنامه‌ها می‌شود را شناسایی و بر طرف نمود. متأسفانه با وجود اینکه رفع موانع عملیاتی شدن برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی از اهمیت بسزایی برخوردار است، اما تحلیل کاملی از موانع و چالش‌های دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه انجام نشده است. لذا ما در این تحقیق برآنیم تا با انجام یک مطالعه جامع به تحلیل دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران طی دوره (۱۳۶۸ - ۱۳۹۴) در بخش کشاورزی بپردازیم. نتایج این مطالعه می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کمک نماید تا علاوه بر دریافت تصویر شفاف‌تری از روند گذشته و وضعیت موجود با مشکلات بخش در شرایط بحرانی آشنا گردیده و راهکارهای مناسب را دریافت نمایند.

اهداف تحقیق

هدف اصلی مطالعه حاضر بررسی دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی می‌باشد. همچنین اهداف اختصاصی شامل موارد زیر می‌باشد؛

- بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای نمونه مورد مطالعه؛
- تعیین موانع و چالش‌های دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی؛
- اولویت‌بندی موانع و چالش‌های دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی؛

روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی محسوب می‌گردد. برای دستیابی به اهداف تحقیق از روش اسنادی و پیمایشی بهره گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای محقق ساخت در دو بخش بود. بخش اول شامل اطلاعات شخصی از جمله: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، سابقه کار می‌باشد. در بخش

آب، فنی، سرمایه‌ای و مشارکتی را به عنوان بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در شهرستان رستم استان فارس تعیین کردند. مریدسادات و همکاران (۱۳۹۷) به تحلیل وضعیت پایداری سیاست‌های کلان و بخشی کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. برای اولویت‌بندی برنامه‌های توسعه از مدل تصمیم‌گیری مجموع وزنی سلسله مراتبی^۱ (HAW) استفاده شد. نتایج نشان داد که سیاست‌های کلان ملی شامل قانون اساسی، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه، به لحاظ اندیشه‌ای، همسو با تحولات علمی، از حرکت نخستین در راستای پایداری برخوردار هستند. در اسناد برنامه‌های توسعه، مفهوم توسعه پایدار از برنامه دوم مطرح شد. از نظر پایداری گرای برنامه پنجم در اولویت اول و سپس برنامه‌های چهارم، دوم، سوم و اول قرار داشتند. بر اساس اوزان محاسبه شده، توجه به ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیطی یکسان نبوده و بعد محیطی در مقایسه با ابعاد اقتصادی و اجتماعی از اهمیت کمتری برخوردار بوده است.

Chow (2011) ساختار برنامه‌ریزی در چین را مورد مطالعه قرار می‌دهد. وی عنوان می‌دارد که اولین برنامه پنج ساله چین در سال ۱۹۵۳ آغاز شد ولی ساختار برنامه‌ریزی پس از اصلاحات اقتصادی ۱۹۷۸ متحول گشت و با توجه به اصلاح مکانیزم بازار نیاز به برنامه‌ریزی متمرکز کاهش یافت، اما بحران‌های مالی جهانی و جهانی شدن، برنامه‌ریزی در چین را محوری ساخت. Damoah et al. (2015) به بررسی علل عدم موفقیت دولت غنا در برنامه‌ها و پروژه‌های انجام شده در این کشور پرداخته‌اند. نتایج مطالعه نشان داد که مهمترین دلایل عدم موفقیت اجرای برنامه‌ها و پروژه‌ها به ترتیب اهمیت شامل: ۱ - ضعف سیستم نظارتی؛ ۲ - فساد سیستمی؛ ۳ - دخالت‌های سیاسی؛ ۴ - تغییرات دولت؛ ۵ - بروکراسی؛ ۶ - عدم توازن برنامه‌ها و ۷ - برنامه‌ریزی ضعیف می‌باشند.

در مطالعه Nsikak- Abasi & Kesit (2015) که در کشور نیجریه انجام گرفت مشخص شد که چالش‌های موجود در بخش کشاورزی این کشور شامل تغییر آب و هوا، شیوه‌های قدیمی کشاورزی، زیربنای ضعیف بخش و حمایت ضعیف دولت از تحقیقات و توسعه تکنولوژی‌های بخش کشاورزی می‌باشند.

Matthew & Ramegowda (2020) در مطالعه خود به بررسی علل عدم موفقیت برنامه و پروژه‌های اجرا شده در کشورهای درحال توسعه با محوریت نتیجه‌پرداخته‌اند. طبق نتایج مهمترین دلایل این شکست‌ها عبارتند از: ضعف برنامه‌ریزی، عدم

¹ Hierarchical Additive Weighting Method (HAW)

گروه اولیه به منظور مصاحبه، انتخاب شد و سپس گروه‌های خبره بعدی برای مصاحبه، توسط آن کارشناسان معرفی شدند. در این مطالعه تجزیه و تحلیل اطلاعات در بخش توصیفی از آماره‌هایی مثل توزیع فراوانی، درصد، انحراف معیار بهره گرفته شد. در بخش تحلیل داده‌ها، از تحلیل عاملی استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS²² استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

نتایج یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که میانگین سن نمونه مورد مطالعه ۴۳/۷۴ سال و حداقل سن آنها ۲۵ سال و حداکثر سن آنها ۶۲ سال بود. ۶۶ درصد (۶۶ نفر) از پاسخ‌دهندگان مذکر و ۳۴ (نفر) درصد نیز مونث می‌باشند. میانگین سابقه کار نمونه مورد مطالعه نیز ۱۷/۳۷ سال بود که حداقل سابقه ۱ سال و حداکثر ۳۸ سال سابقه کار می‌باشد. توزیع فراوانی مربوط به میزان تحصیلات نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۸ درصد (۸ نفر) دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۲۷ درصد (۲۷ نفر) افراد کارشناسی، ۴۰ درصد (۴۰ نفر) دارای تحصیلات کارشناسی-ارشد و ۲۵ درصد (۲۵ نفر) افراد نیز دارای درجه دکترای تخصصی بودند.

تحلیل عاملی موانع و چالش‌ها

جهت تعیین موانع و چالش‌های دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران در بخش کشاورزی از تحلیل عاملی استفاده شده است. بدین منظور در گام اول جهت تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی و به منظور اندازه‌گیری انسجام درونی داده‌ها از آماره KMO^2 و آزمون بارتلت استفاده شد. مقدار آزمون KMO برابر با (۰/۷۲۱) و مقدار آزمون بارتلت برابر با ۳۹۹۱/۴۱۸ بدست آمد که در سطح ۱ درصد معنی‌دار می‌باشد. بنابراین نتایج بیانگر وضعیت مناسب داده‌ها برای ورود به آزمون تحلیل عاملی می‌باشند. در گام دوم برای تعیین تعداد عوامل قابل استخراج، از معیار مقدار ویژه و برای چرخاندن عامل‌ها از روش واریماکس استفاده شد. بنابراین پس از چرخش عاملی به روش واریماکس، گویه‌های تحقیق در چهار عامل دسته‌بندی شدند و تنها بارهای عاملی که بزرگتر از ۰/۵۰ بود به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج شد.

نتایج تحلیل عاملی موانع و چالش‌ها، همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی در جدول ۱ ارائه شده است. با توجه به نتایج تحقیق دلایل عدم تحقق اهداف برنامه‌های

دوم تحلیل موانع و چالش‌های دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی ایران در قالب ۵۸ گویه چالشی و موانعی در قالب طیف لیکرت (۱= خیلی کم، ۲= کم، ۳= تاحدودی، ۴= زیاد، ۵= خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت.

روایی محتوایی و صوری پرسشنامه تحقیق ابتدا از طریق پانل متخصصان مربوطه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. سپس برای تعیین پایایی ابزار تحقیق، از طریق مطالعه راهنما ۳۰ پرسشنامه خارج از نمونه اصلی تکمیل شد و ضریب آلفای کرونباخ برای بخش‌های اصلی پرسشنامه بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۵ بدست آمد که این مقدار نشان دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه است.

جامعه آماری این مطالعه شامل کارشناسان، دست‌اندرکاران و خبرگان بخش کشاورزی در سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز اجرایی، حمایتی و خدماتی در رابطه با موضوع تحقیق می‌باشد. با توجه به اینکه اطلاعات دقیقی درخصوص تعداد جامعه آماری تحقیق در زمینه موضوع مورد مطالعه در دسترس نبود، از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود، برای تعیین حجم نمونه استفاده شد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۶).

فرمول ۱:

$$n = \left(\frac{z_s}{d} \right)^2 = \left(\frac{1.96 \times 0.249}{0.05} \right)^2 = 95.27$$

در فرمول شماره ۱؛ n: حجم نمونه قابل قبول؛ z: ضریب اطمینان (z = ۱.۹۶)؛ d: نصف حدود اعتماد (دقت احتمالی مطلوب) و s واریانس نمونه اولیه (۳۰ پرسشنامه تکمیل شده در مرحله پیش آزمون) می‌باشد. بنابراین با توجه به رابطه شماره ۱ حجم نمونه مورد مطالعه ۹۵ برآورد شد که به دلیل افزایش دقت احتمال حجم نمونه معادل ۱۰۰ تعیین شد.

انتخاب نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی^۲ انجام شد. در نمونه‌گیری هدفمند، اصولاً هدف محقق انتخاب نمونه‌هایی است که اطلاعات زیادی در مورد موضوع تحقیق داشته باشد (سرمد و همکاران، ۱۳۹۴). این روش در مواردی که دسترسی به افرادی که دارای ویژگی‌های مورد نظر محقق می‌باشند، مشکل است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، ابتدا یک یا چند نفر با ویژگی‌های مورد نظر انتخاب می‌شوند و سپس از آنان درخواست می‌گردد تا افرادی را که دارای ویژگی‌های مشابه با آنان باشند، به محقق معرفی نمایند. نمونه‌گیری تا وقتی که نمونه‌ها به حد مورد نظر برسند، ادامه می‌یابد (Burns & Grove, 1993). در این راستا، نخست یک

³ Kaiser Meyer Olkin

² Snowball Sampling

عنوان عامل اول با مقدار ویژه ۱۳/۷۷۷ به تنهایی تبیین کننده ۲۳/۷۵۴ درصد از واریانس کل بود که حاکی از اهمیت بالای این عامل دارد.

توسعه ایران در بخش کشاورزی در چهار عامل دسته‌بندی شدند که در مجموع ۵۵/۴۳ درصد از واریانس کل را تبیین کرده‌اند که حاکی از میزان واریانس نسبتاً مناسب تبیین شده توسط عامل‌های استخراج شده دارد. موانع اقتصادی - سیاسی به

جدول ۱. عامل‌های استخراج شده از تحلیل عاملی

عوامل‌ها (موانع)	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد واریانس تجمعی
عامل اول (اقتصادی - سیاسی)	۱۳/۷۷۷	۲۳/۷۵۴	۲۳/۷۵۴
عامل دوم (اجرایی - ساختاری)	۵/۳۹۸	۹/۳۰۶	۳۳/۰۶۰
عامل سوم (علمی)	۳/۱۵۱	۵/۴۳۳	۳۸/۴۹۳
عامل چهارم (فرهنگی - اجتماعی)	۲/۹۳۵	۴/۰۶۱	۴۳/۵۵۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در بین مدیران بخش کشاورزی "به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۲۹، ۰/۶۸۹ و ۰/۶۵۹ مهمترین چالش‌های موانع اجرایی - ساختاری (مدیریتی) خواهد بود. همچنین چالش "عدم نظارت مناسب بر نحوه هزینه کرد تسهیلات اعتباری داده شده" با بار عاملی ۰/۵۵۹ و چالش "عدم کنترل مداوم کیفیت محصولات با توجه به استانداردهای ملی و جهانی" با بار عاملی ۰/۵۳۳ به عنوان کم اهمیت‌ترین موانع اجرایی - ساختاری تعیین شدند.

عامل سوم: در بخش کشاورزی دانش و اطلاعات همچون زمین، سرمایه و نیروی کار از عوامل مهم تولید به شمار می‌آیند (شفیعی‌ثابت و فرهادی، ۱۳۹۸). به طوری که امروزه یکی از ارکان اصلی دستیابی به توسعه، تأمین و تربیت نیروی انسانی ماهر، کارآمد و توسعه‌گرا است (ظریفیان و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین بالا بردن آگاهی، انجام تحقیقات نوین و ارائه آموزش‌های ترویجی وظیفه اصلی نظام آموزش و پرورش مدرن و کارآمد است. اما با توجه به اهمیت این موضوع، کیفیت توسعه و زیرساخت‌های آموزش و پرورش کشور در اثر برنامه‌ریزی‌های نامطلوب ملی، موانع و مشکلات عمده‌ای را در روند توسعه بخش کشاورزی ایجاد کرده است. بنابراین در این پژوهش برای بررسی و تعیین این موانع تعداد ۹ گویه با عنوان موانع و چالش‌های علمی (آموزش - ترویج - تحقیقات) شناسایی شدند. با توجه به نتایج گویه‌های مربوط پس از چرخ عاملی تعیین شدند. براساس نتایج جدول ۲ چالش‌های "حمایت نکردن دولت از تجاری‌سازی تحقیقات دانشگاهی و پروژه‌های دانش بنیان"، "نبود یک سیستم آموزشی، تحقیق و توسعه خلاق پرور در بخش کشاورزی" و "عدم شفاف بودن اطلاعات و نبود پایگاه اطلاع‌رسانی جامع و فراگیر" به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۸۵، ۰/۷۷۲ و ۰/۷۶۵ مهمترین چالش‌های موانع علمی (آموزش، ترویج و تحقیقات) خواهد بود. همچنین چالش‌های "عدم ارتباط منسجم میان بخش تولید، دانشگاه و مراکز علمی و تحقیقاتی"، "کمبود

عامل دوم با عنوان موانع اجرایی - ساختاری با مقدار ویژه ۵/۳۹۸ توانسته است ۹/۳۰۶ درصد از واریانس مجموعه را تبیین نماید. عامل سوم با عنوان موانع علمی با مقدار ویژه ۳/۱۵۱ توانسته است ۵/۴۳۳ درصد از واریانس مجموعه را تبیین نماید. همچنین عامل چهارم با عنوان موانع فرهنگی - اجتماعی با مقدار ویژه ۲/۹۳۵ توانسته است ۴/۰۶۱ درصد از واریانس مجموعه را تبیین نماید. برای تبیین دقیق‌تر بارهای عاملی، متغیرهای بارشده روی هر یک از این بارهای عاملی مشخص شدند که در جدول ۲ نتایج مرتبط با آن‌ها آورده شده است. جهت تعیین متغیرهای هر عامل از چرخش به روش واریماکس استفاده شد. لذا متغیرهایی که بار عاملی آن‌ها بزرگ‌تر از ۰/۵۰ بوده به عنوان بارهای عاملی معنی‌دار استخراج گردید.

عامل اول: طبق نتایج تعداد ۱۱ گویه مربوط به عامل موانع اقتصادی - سیاسی پس از چرخ عاملی شناسایی و تعیین شدند. براساس نتایج جدول ۲ چالش‌های "عدم وجود امنیت سرمایه - گذاری در بخش تولید"، "کمبود خدمات حمایتی و کارآمدی ضعیف سیاست‌های حمایتی" و "بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی و غیرقابل پیش‌بینی بودن تصمیمات دولتی" به ترتیب با بار عاملی ۰/۷۵۸، ۰/۷۱۴ و ۰/۷۰۶ مهمترین چالش‌های موانع سیاسی - اقتصادی خواهد بود. همچنین چالش‌های وجود "قوانین و مقررات انعطاف ناپذیر و دست و پاگیر برای ورود به بخش تولید" و "ناکارآمدی و عدم پوشش مناسب نظام بیمه در بخش کشاورزی به عنوان کم اهمیت‌ترین شناخته شدند.

عامل دوم: با توجه به نتایج تحقیق تعداد ۸ گویه مربوط به عامل موانع و چالش‌های اجرایی - ساختاری (مدیریتی) پس از چرخ عاملی تعیین شدند. براساس نتایج جدول ۲ چالش‌های "ضعف زیرساخت‌های عمرانی مورد نیاز برای توسعه بخش کشاورزی"، "نبود برنامه‌ریزی و فقدان سند راهبردی توسعه" و "نبود شایسته‌سالاری در انتخاب و انتصاب متخصصان و نخبگان

"چند پارگی های قومی، زبانی، مذهبی و تعارضات فرهنگی" به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۸۸، ۰/۶۴۳ و ۰/۵۷۶ مهمترین چالش های موانع فرهنگی - اجتماعی خواهد بود. همچنین چالش های "عدم فرهنگ سازی در رویکرد و اقبال بخش خصوصی در سرمایه گذاری در بخش کشاورزی"، "نبود بیمه تأمین اجتماعی مناسب در بخش های روستایی و تولیدی" و "نبود فرهنگ مناسب استفاده از خدمات مشاوره ای، فنی و مهندسی" به ترتیب با بار عاملی ۰/۵۶۴، ۰/۵۱۷ و ۰/۵۱۰ به عنوان کم اهمیت ترین موانع و چالش های فرهنگی - اجتماعی شناسایی شده اند.

دانش فنی و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران" و "نقش کم رنگ رسانه های جمعی در معرفی دستاوردهای نوین کشاورزی" به ترتیب با بار عاملی ۰/۶۵۲، ۰/۵۹۱ و ۰/۵۳۵ به عنوان کم اهمیت ترین عامل های موانع و چالش های علمی (آموزش، ترویج و تحقیقات) شناسایی شده اند. **عامل چهارم:** با توجه به نتایج تحقیق تعداد ۷ متغیر مربوط به عامل موانع و چالش های فرهنگی - اجتماعی پس از چرخ عاملی تعیین شدند. براساس نتایج جدول ۲ چالش های "عدم وجود فرهنگ مناسب کار و تولید در بخش کشاورزی"، "پایین بودن سطح آگاهی های عمومی و کم سوادی بهره برداران" و

جدول ۲. گویه های بارشده بر روی هر عامل

عامل ها	گویه ها	بار عاملی
موانع اقتصادی - سیاسی	عدم وجود امنیت سرمایه گذاری در بخش کشاورزی	۰/۷۵۸
	کمبود خدمات حمایتی و کارآمدی ضعیف سیاست های حمایتی موجود	۰/۷۱۴
	بی ثباتی سیاست ها و غیرقابل پیش بینی بودن تصمیمات دولتی	۰/۷۰۶
	هزینه بالای تجهیز بخش کشاورزی به ماشین آلات و تجهیزات مکانیزه	۰/۶۹۸
	دخالت دولت قیمت گذاری و اعمال محدودیت ها در تخصیص و توزیع منابع	۰/۶۷۱
	عدم گستردگی مدل های غیر دولتی تأمین مالی در بخش کشاورزی	۰/۶۶۵
	نبود تقویم تولید متناسب با نیاز مصرف و تقاضا	۰/۶۵۳
	کارایی نامناسب بازار و سیستم بازاریابی	۰/۶۵۰
	وجود تبعیض میان سرمایه گذاری مولد و غیر مولد	۰/۶۳۵
	وجود قوانین و مقررات انعطاف ناپذیر و دست و پا گیر برای ورود به بخش تولید	۰/۵۹۹
ناکارآمدی و عدم پوشش مناسب نظام بیمه در بخش کشاورزی	۰/۵۸۸	
موانع اجرایی - ساختاری	ضعف زیرساخت های عمرانی مورد نیاز برای توسعه بخش کشاورزی	۰/۷۲۹
	نبود برنامه ریزی و فقدان سند راهبردی توسعه	۰/۶۸۹
	نبود شایسته سالاری در انتخاب و انتصاب متخصصان و نخبگان در بین مدیران بخش کشاورزی	۰/۶۵۹
	عدم توسعه و سازماندهی نهادهای اجرایی در بخش اعتبارات کشاورزی	۰/۶۰۸
	عدم اجرای صحیح نظارت بر حسن اجرای قوانین	۰/۵۹۶
	نبود مراکز تخصصی حمایت از کشاورزی اعم از شرکت های مشاوره ای، تأمین نهاد، بازاریابی و غیر	۰/۵۹۰
	عدم نظارت مناسب بر نحوه هزینه کرد تسهیلات اعتباری داده شده	۰/۵۵۹
	عدم کنترل مداوم کیفیت محصولات با توجه به استانداردهای ملی و جهانی	۰/۵۳۳
موانع علمی	حمایت نکردن دولت از تجاری سازی تحقیقات دانشگاهی و پروژه های دانش بنیان	۰/۷۸۵
	نبود یک سیستم آموزش و پرورش خلاق پرور در بخش کشاورزی	۰/۷۷۲
	عدم شفاف بودن اطلاعات و نبود پایگاه اطلاع رسانی جامع و فراگیر	۰/۷۶۵
	عدم تطابق کامل و دقیق فعالیت های تحقیقاتی بخش کشاورزی با نیازهای بهره برداران	۰/۷۵۵
	کمبود منابع و امکانات آموزشی برای آموزش کشاورزان	۰/۷۲۶
	نبود صندوق های سرمایه گذاری جهت حمایت از مراکز تحقیقاتی بخش کشاورزی	۰/۷۲۵
	عدم ارتباط منسجم میان بخش تولید، دانشگاه و مراکز علمی و تحقیقاتی	۰/۶۵۲
	کمبود دانش فنی و پایین بودن سطح تحصیلات و تجربه صاحبان و مدیران	۰/۵۹۱
	نقش کم رنگ رسانه های جمعی در معرفی دستاوردهای نوین کشاورزی	-۰/۵۳۵
موانع فرهنگی	عدم وجود فرهنگ مناسب کار و تولید در بخش کشاورزی	۰/۶۸۸
	پائین بودن سطح آگاهی های عمومی و کم سوادی بهره برداران	۰/۶۴۳

۰/۶۱۵	چند پارگی‌های قومی و تعارضات فرهنگی
۰/۵۷۶	نبود فرهنگ ریسک‌پذیری در میان تولیدکنندگان
۰/۵۶۴	عدم فرهنگ‌سازی در اقبال سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در بخش کشاورزی
۰/۵۱۷	نبود بیمه تأمین اجتماعی مناسب در بخش‌های روستایی و تولیدی
۰/۵۱۰	نبود فرهنگ مناسب استفاده از خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر با هدف تعیین دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بخش کشاورزی انجام شده است. این تحقیق در چند گام اصلی انجام یافته به طوری که ابتدا منابع و مستندات بخش کشاورزی در قوانین برنامه‌های اول تا پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بعد از انقلاب جمهوری اسلامی ایران بررسی شد. سپس با استفاده از نتایج بررسی مستندات و استفاده از نقطه نظرات نخبگان و دست‌اندرکاران بخش کشاورزی دلایل عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی شناسایی شد. در ادامه تعیین و اولویت‌بندی موانع و چالش‌ها از روش تحلیل عاملی بهره گرفته شد. طبق نتایج تحلیل عاملی از ۵۸ گویه (چالش) وارد شده در این تحلیل، تنها ۳۵ گویه در قالب چهار عامل اصلی به عنوان موانع و چالش‌های عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی استخراج شد.

طبق نتایج مهمترین عامل موانع اقتصادی - سیاسی بود که در رتبه اول قرار گرفت. همچنین عامل موانع اجرایی - ساختاری (مدیریتی)، عامل موانع علمی (آموزش، ترویج و تحقیقات) و عامل موانع اجتماعی - فرهنگی به ترتیب در رتبه دوم تا چهارم دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی قرار گرفتند. به طور کلی می‌توان مهمترین دلایل عدم دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی را به صورت زیر نتیجه‌گیری کرد:

از مهمترین موانع عدم توسعه بخش کشاورزی مشکلات مالی و اقتصادی می‌باشد. این مشکلات شامل کمبود منابع سرمایه‌ای، کاهش بودجه‌های دولتی، عدم وجود مشوق‌های حمایتی جهت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و نبود مدل‌های مختلف تأمین مالی می‌باشد. این یافته‌ها با بخش‌هایی از مطالعات تقی‌ملایی و مهدوی (۱۳۹۵) و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) همسویی دارد. در بخش مشکلات اجرایی و مدیریتی می‌توان به مدیریت دولتی بخش اشاره کرد. دخالت دولت‌ها باعث ایجاد رانت دولتی، بی‌ثباتی و غیر قابل پیش‌بینی شدن سیاست‌های دولتی شده است. همچنین می‌توان به وجود قوانین

دست و پاگیر و بروز نبودن قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های تولیدی بخش اقتصاد، فرسوده بودن سیستم اجرایی کشور، وجود ضعف در ساختار اداری و نبود شایسته‌سالاری در سیستم اداری و اجرایی حاکم بر بخش کشاورزی اشاره کرد. این نتایج با بخش‌هایی از مطالعه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. در بخش مشکلات ساختاری و زیربنایی می‌توان به نبود یک سیستم حمایتی مناسب و هدفمند در رابطه با توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و تحقیقات، نظام بیمه‌ای و حمایت از تولیدات اشاره کرد. همچنین چالش‌های بخش تولید از جمله کاهش بهره‌وری، افزایش هزینه‌های تولید، فرسوده بودن ادوات کشاورزی، پراکنده بودن اراضی و نبود تقویم مناسب تولید را نام برد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که در طراحی برنامه‌های توسعه، به مسائلی از قبیل مدت زمان برنامه‌های توسعه، ظرفیت‌های نظام اجرایی، عوامل تسهیل‌کننده در اجرای استراتژی و ساختار تقویم نظام سیاسی و اجرایی کشور دقت کافی معمول نشده است. همچنین نبود یک برنامه بلندمدت مشخص در بخش کشاورزی، امکان اولویت‌گذاری در انتخاب و اجرای سیاست‌ها را دچار مشکل کرده است.

پیشنهادها

در این بخش از مطالعه با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهای کلی به شرح زیر توصیه می‌گردد:

- بخش کشاورزی برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه با مشکل کمبود منابع سرمایه‌گذاری روبه‌رو است. جبران این مشکل، نیازمند ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری است. بنابراین لازم است در برنامه‌های توسعه به بهبود شاخص‌های امنیت سرمایه‌گذاری در این بخش توجه بیشتری شود.

- بیشتر سیاست‌های حمایتی یارانه‌ای اعم از یارانه انرژی، یارانه تجاری و یارانه نهادها و ماشین‌آلات به صورت عمومی در سطح کشور انجام می‌گیرند و از کارایی کمی برخوردارند. لذا توصیه می‌شود برنامه آمایش سرزمینی مختص هر منطقه در بخش کشاورزی تهیه و سپس سیاست‌های حمایتی منطبق با این برنامه‌ها اصلاح شود به طوری که دولت براساس مزیت هر منطقه اقدام به حمایت از تولیدکنندگان نماید.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیم‌پای‌سلامی، غ. (۱۳۸۸). بررسی الگوهای نظری سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه ایران در آستانه تدوین برنامه پنجم توسعه. *مجله سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۹۸، صص ۱۹۰ - ۱۸۰.
 ۲. ازکیا، م. و دیباجی‌فروشانی، ش. (۱۳۹۵). نقد برنامه‌های توسعه روستایی در ایران. *مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱۲۵ - ۱۰۳.
 ۳. افراخته، ح.، حجی‌پور، م.، گرزین، م. و نجاتی، ب. (۱۳۹۲). جایگاه توسعه پایدار کشاورزی در برنامه‌های توسعه ایران (مورد: برنامه‌های پنج ساله پس از انقلاب). *مجله سیاست‌های راهبردی و کلان*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۳ - ۶۲.
 ۴. ایمان، م. ت. (۱۳۷۷). تنگنای‌های روش شناختی در تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی در ایران. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
 ۵. بازیار، ا. و احمدوند، م. (۱۳۹۶). تبیین بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۷۶ - ۶۵.
 ۶. برخوردار، ف. و محمدی‌نژاد، ا. (۱۳۹۷). شناسایی عامل-های مؤثر بر رشد زیربخش زراعت و باغبانی. *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، جلد ۱۰، شماره ۲، صص ۳۲ - ۱۵.
 ۷. بنی‌اسدی، م. و جلالی‌اسفندآبادی، ع. (۱۳۹۵). تحلیل اثر سرریزهای تکنولوژی بر رشد بهره‌وری کل عوامل بخش کشاورزی ایران. *مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی*، جلد ۳۰، شماره ۲، صص ۱۲۶ - ۱۱۷.
 ۸. تقی‌ملایی، ی. و مهدوی، ع. (۱۳۹۵). بررسی روند بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی در طی برنامه‌های پنج ساله توسعه ایران. *مجله استراتژی راهبردی جنگل*، سال ۱، شماره ۱، صص ۱ - ۱۱.
 ۹. جغتایی، ف.، موسوی، م. و زاهدی، م. ج. (۱۳۹۵). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه. *مجله رفاه اجتماعی*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۵۵ - ۸۸.
 ۱۰. رکن‌الدین‌افتخاری، ع.، سجاسی‌قیداری، ح. و صادقلو، ط. (۱۳۹۲). تحلیل محتوایی جایگاه توسعه پایدار روستایی در برنامه‌های بعد از انقلاب اسلامی. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۵، شماره ۳، صص ۱۹ - ۳۸.
- با توجه به کمبود منابع سرمایه در بخش کشاورزی توصیه می‌شود با استفاده از شیوه‌های تأمین مالی؛ ترکیبات متنوع تأمین مالی به طور اختصاصی برای بخش کشاورزی تهیه، طراحی و اجرا شود.
- با توجه به هزینه بالای تجهیز بخش کشاورزی به ماشین‌آلات و تجهیزات مکانیزه توصیه می‌شود از طریق اعطای وام‌های بلندمدت از صندوق ذخیره ارزی به بانک کشاورزی برای تخصیص تسهیلات بیشتر به بخش کشاورزی کمک کرد.
- از مشکلات عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه در بخش کشاورزی نبود برنامه و تقویم مناسب تولید محصولات براساس نیازهای جامعه می‌باشد؛ لذا توصیه می‌شود برنامه‌ریزی کاشت و تولید محصولات کشاورزی بر مبنای برنامه آمایش سرزمینی و شرایط خاص هر منطقه تهیه و عملی شود.
- توصیه می‌شود در نظام جذب، به کارگیری و تعدیل منابع انسانی نظام اجرایی کشور در بخش کشاورزی تجدید نظر شود تا افراد شایسته و نخبگان جذب شوند.
- توصیه می‌شود مراکز تخصصی حمایت اعم از شرکت‌های مشاوره‌ای، تأمین نهاده و بازاریابی تأسیس و در سطح کشور گسترش یابند تا این خدمات به آسانی در دسترس کشاورزان قرار گیرد.
- توصیه می‌شود دولت با سرمایه‌گذاری در بخش تحقیقات و آموزش کشاورزی، خدماتی همچون تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، بازرسی و کنترل آفات و بیماری‌های گیاهی و دامی را به صورت یارانه‌ای در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد.
- نظام آموزش و پرورش بخش کشاورزی نیازمند بازنگری اساسی دارد و باید براساس سیستم‌های نوین علمی و آموزشی دنیا اصلاح شود تا ضمن پرورش نیروی‌های شایسته و متخصص به انتقال عملی یافته‌های علمی از دانشگاه به سطح مزرعه کمک نماید.
- توصیه می‌شود به ارتباط بین دانشگاه و بخش کشاورزی توجه بیشتری شود به طوری که باید شرایطی فراهم شود تا علاوه بر ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان، زمینه ورود علم و تکنولوژی جدید از طریق ورود افراد تحصیل کرده به بخش کشاورزی فراهم شود.
- توصیه می‌شود یک رسانه اختصاصی جهت تولید محتوا برای بخش کشاورزی ایجاد شود. این رسانه می‌تواند با پخش برنامه‌های متنوع آموزشی و ترویجی به بالا بردن سطح سواد، فرهنگ و آگاهی‌های عمومی و تخصصی کشاورزان کمک کند.

۱۱. سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: نشر آگه.
۱۲. شریف‌زادگان، م. ح. (۱۳۸۲). چالش‌های برنامه‌ریزی در بررسی علل کاهش اثر بخشی طرح‌های توسعه در ایران. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۱، شماره ۴۳ و ۴۴، صص ۱-۲۰.
۱۳. شفیع‌ی‌نابت، ن.، و فرهادی، فرید. (۱۳۹۸). تأثرات توانمند سازی بهره برداران کشاورزی در توسعه روستایی شهرستان سمیرم. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۴۹-۶۴.
۱۴. ظریفیان، ش.، اسماعیلی‌متین، م. ر.، راحلی، ح.، و علیزاده-ا قدم، م. ب. (۱۳۹۸). تجربیات متخصصان کشاورزی و کشاورزان در زمینه شناسایی و اولویت‌بندی منابع اطلاع یابی کشاورزان روستاهای شهرستان کرمانشاه، *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۱-۱۰.
۱۵. غلامی نتاج امیری، س. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی نظری برنامه‌های توسعه اقتصادی. *مجله پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۳، صص ۵۹-۸۸.
۱۶. قدیری‌معصوم، م. و نجفی‌کانی، ع. (۱۳۸۲). برنامه‌های توسعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آنها بر نواحی روستایی. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۴، صص ۱۲۱-۱۱۱.
۱۷. کرباسی، ع. (۱۳۹۱). اقتصاد توسعه کشاورزی، تربت حیدریه: انتشارات دانشگاه تربت حیدریه.
۱۸. کرباسی، ع.، و اکبرزاده، ج. (۱۳۸۷). برآورد تابع عرضه و تقاضا صادرات زعفران ایران با سیستم معادلات همزمان. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۶۲، صص ۳۳-۵۳.
۱۹. لطیفی، س.، راحلی، ح.، یادآور، ح.، و سعدی، ح. (۱۳۹۶). شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه کشاورزی حفاظتی در ایران. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۳، شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۵.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۸). ریشه‌های عدم توفیق در برنامه‌های اول و دوم، دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرداد ۱۳۷۸، کد گزارش: ۲۴۰۳۸۵۹.
۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). نگاهی به راهبردهای اصلی بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج ساله توسعه در بیست سال گذشته. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. میردسادات، پ.، رکن‌الدین‌افتخاری، ع.، پورطاهری، م.، و شعبانعلی‌فمی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل پایداری سیاست‌های کلان و بخشی کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله جمهوری اسلامی ایران. *مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۹، شماره ۱، صص ۴۳-۵۸.
23. Burns, N., & Grove, SK. (1993). The practice of nursing research. 2nd ed. Philadelphia: W.B. Saunders Company; 1993; 4.
24. Chow, G. C. (2011). Economic Planning in China. CEPS Working Paper.
25. Damoah, I. S., Akwei, C., & Mouzughy, Y. (2015). Causes of government project failure in developing countries—focus on Ghana: The value of pluralism in advancing management research, education and practice. 29th Annual BAM Conference, Portsmouth, United Kingdom: University of Portsmouth.
26. Matthew Eja, K., & Ramegowda, M. (2020), Government project failure in developing countries: A review with particular reference to Nigeria. *Global Journal of Social Sciences*, 19:35-47
27. Nsikak- Abasi, A. E., & Kesit, K. N. (2015). Barriers to Increasing Agricultural Production in Nigeria. *American Journal of Agricultural Science*, 2(4): 138-143